

بررسی وجوب ایجاد امنیت در فضای سایبر؛ با روی کرد فقه حکومتی

سعید حسینی*

تأیید: ۹۹/۳/۱۰

دریافت: ۹۸/۴/۹

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، یافتن مستندات فقهی برای حکم به وجوب ایجاد تمام ابعاد امنیت در فضای سایبر، از سوی حکومت اسلامی است؛ به نحوی که استکشاف یادشده، با روی کرد فقه حکومتی انجام شود.

روش انجام این پژوهش، «سندپژوهی» و «توصیفی - اکتشافی» است که با جست و جو در منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

بعد از مفهوم‌شناسی تحقیق و روش‌شناسی نسبت به روی کرد فقه حکومتی، گزاره‌ها و قواعد فقهی متعددی در اثبات حکم به وجوب ایجاد تمام ابعاد امنیت در فضای سایبر، از سوی حکومت اسلامی از جمله قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم»، حرمت حفظ کتب ضلال، حدّ محاربه و اخافه عمومی، حرمت تدلیس، نجش و اجحاف در تجارت، حرمت نقض حریم خصوصی و عدم ضمان به سبب دفع مطلق بر حریم غیر و قاعده «نفی سبیل» مستند دانسته شدند.

در نتیجه وجوب ایجاد امنیت اعتقادی و مذهبی، امنیت اخلاقی، امنیت روانی، امنیت آبرویی، امنیت مالی و اقتصادی، امنیت حریم خصوصی، امنیت جانی و امنیت اطلاعات محرمانه ملی در فضای سایبر به اثبات رسیده و بر اساس روی کرد فقه حکومتی و تمدن‌ساز، علاوه بر رفتارهای سلبی حکومت، انجام رفتارهای ایجابی نیز ضروری دانسته شده است.

واژگان کلیدی

فقه حکومتی، فقه فردگرا، فقه الحکومه، فقه فضای سایبر، ابعاد امنیت

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و عضو هیأت علمی گروه معارف دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر اراک:

shahidmohammad.4101365@gmail.com

مقدمه

در مورد ضرورت این پژوهش می‌توان گفت بر اساس مبانی معرفتی و کلامی فقه سیاسی و فلسفه سیاسی در اسلام، هدف از تشکیل حکومت، بسترسازی برای اجرای احکام الهی و در پی آن، تعالی معنوی و سعادت ابدی بشر در قالب توحید عملی فرد و جامعه است. هرچند آبادانی زمین، استقرار نظم، امنیت و بسط عدالت در ابعاد مختلف آن، از لوازم آن غایت قُصوی به شمار می‌روند (نهج البلاغه، خطبه ۳، خطبه ۱۳۱ و نامه ۵۳)^۱ که نمونه عالی این هدف، در حکومت مهدوی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) تحقق خواهد یافت (نور (۲۴): ۵۵).^۲ این دیدگاه در اصول کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران [فصل اول] (نظر پور، ص ۴۸ و ۶۴-۷۸)، سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (حسین نژاد و ایزدی فرد، ش ۹، ص ۸۸) و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ابلاغ‌شده از سوی رهبر معظم انقلاب (سایت خبری khamenei.ir، مورخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷)، انعکاس یافته است. در حالی که مبنای فوق‌الذکر در تقابل کامل با نظریات اومانستی و لیبرالیستی می‌باشد. به این معنا که هدف حکومت، ایجاد رفاه و استفاده حداکثری از مواهب مادی دنیوی و محصولات تکنولوژی تلقی شده و هم‌چنین نحوه طراحی این محصولات، هم‌سو با هدف یادشده تصویر می‌گردد (شبان‌نیا، ۱۳۹۵، ص ۴۳-۵۳؛ واعظی، ۱۳۸۶، ص ۲۶-۲۱).

با این حساب، در مقوله طراحی سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، و چستی شکل و محتوای فضای سایبر و در نتیجه سبک زیستن در فضای سایبر، تأثیر جدی مبانی معرفتی «فقه الحکومه»، خودنمایی می‌کند. به طور مثال، حکومت مبتنی بر مدرنیته غربی، تأمین امنیت کاربران فضای سایبر را به برخی شؤن امنیت؛ مانند امنیت اطلاعات و حریم خصوصی محدود می‌گرداند. اما قوانین حکومت اسلامی که با روی‌کرد فقه حکومتی استکشاف می‌شوند، ایجاب می‌کنند، ایجاد تمام شؤن امنیت را [که با تعریف اسلام از امنیت، شامل امنیت مذهبی و اخلاقی نیز می‌شود] جزء تکالیف حاکمیت بدانیم (باهنر و صمدی، ۱۳۸۹، ش ۱۶، ص ۱۶۳-۱۴۴).^۳ در نتیجه اهمیت

کاوش‌های فقهی به جهت یافتن احکام فقهی ایجاد امنیت توسط حاکمیت و الگوهای تمدن‌سازی در ارتباط با فضای سایبر روشن می‌گردد.

در مورد پیشینه این پژوهش می‌توان گفت توجه به این مسأله از نظر تأمین تمامی شئون امنیت و استکشاف گزاره‌های فقهی و البته با روی‌کرد فقه حکومتی، تقریباً بی‌سابقه است. هرچند با گسترش استفاده از فناوری اطلاعات در بستر اینترنت، مقالاتی نگاشته شده است که از جنبه‌های «اخلاق فردی» و «فقه الحکومه»، پیرامون آسیب‌شناسی فضای مجازی، حریم خصوصی و مالکیت فکری، مسئولیت مدنی، احکام هرزه‌نگاری، جرم‌نگاری در جرائم رایانه‌ای و فیلترینگ (پالایش) به بررسی پرداخته‌اند.

مفهوم امنیت

امنیت یک واژه عربی است که در مصدر صناعتی و از ریشه «أمن» می‌باشد؛ به معنای آسودگی خاطر و داشتن طمأنینه و عدم ترس، دل‌هره و نگرانی (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۳۳ و مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۶۴) و در زبان فارسی هم به همین معنا به کار رفته است (حاج‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵، ش ۳، ص ۲۵۵). امنیت در اصطلاح، از معنای لغوی فاصله‌ای نگرفته و تنها با مصداق‌شناسی آن در گذر زمان و با توجه به «متعلق به» آن، اقسام و ابعاد امنیت [در ۴ سطح فردی، عمومی، ملی و بین‌المللی]، از امنیت جانی، مالی و آبرویی به ابعاد گسترده‌ای هم‌چون امنیت فکری، فرهنگی و مذهبی، روانی، قضایی، نظامی، زیست‌محیطی، شغلی و اقتصادی، سیاسی و... توسعه یافته است که به ترتیب، در مقابل تهدید و خطر مرگ و آسیب جسمی، ورشکستگی و غارت‌شدن، خطر تهمت و تعرض به حریم خصوصی، خرافه‌گرایی و استعمار فکری، گمراهی در باورهای ایدئولوژیک، اضطراب و تشویش خاطر، بی‌عدالتی قضایی در دعاوی مدنی و کیفری، تهدید زیرساخت‌های نظامی و تسلیحاتی، تهدیدات زیست‌محیطی و... به کار می‌روند (بهرامی، ۱۳۸۲، ش ۳۵، ص ۳-۱؛ حاج‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵، ش ۳، ص ۲۶۸-۲۵۵).

به نظر می‌رسد خطر ازدست‌دادن هرآنچه مطلوب انسان است، به نحوی او را

آزرده خاطر و نگران می‌کند و هرآنچه بقای آن امور مطلوب را تضمین می‌کند، به او آرامش و احساس امنیت می‌دهد. بنابراین، بسته به ارزش‌گذاری و تعیین امور مطلوب، با توجه به جهان‌بینی انسان، گستره و ابعاد امنیت تعیین می‌شوند.

مفهوم فضای سایبر

فضای سایبر (cyber space) معادل دنیای مجازی (virtual world) قرار داده شده است. این واژه در کاربرد رایج آن در ایران، بیان‌گر محیطی است که در بستر اینترنت ایجاد شده و دارای دو ویژگی اصلی اشتراک‌گذاری و تعامل اطلاعاتی است. به همین منظور، به گستره فضای مجازی به اختصار «فاوا» (فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات) گفته می‌شود (شریفی‌دوست و واحدجوان، ۱۳۹۸، ص ۴). به نظر می‌رسد معادل‌سازی فضای سایبر با دنیای مجازی، تنها به جهت فقدان برخی ویژگی‌های محیط‌های زیستی انسان بر روی سیاره زمین است که مکانی برای استقرار و فعالیت فیزیکی انسان است، اما فضای سایبر مکانی برای استقرار و فعالیت فکری انسان‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، محیطی غیر فیزیکی از ارتباطات تعاملی و فکری از طریق شبکه رایانه‌ای و بر بستر دیجیتال را فضای سایبر می‌خوانند (اسماعیلی و نصراللهی، ۱۳۹۵، ش ۴۹، ص ۸).

در نتیجه توجه به این نکته ضروری است که استعمال واژه «مجازی» به معنای تخیلی و غیر واقعی نبوده و در واقع به معنای غیر فیزیکی است. بلکه کنش‌های زیستی و اثرات واقعی فضای مجازی از فضای غیر مجازی نمود بیش‌تری دارد؛ به نحوی که رسانه‌های فعال در این فضا را «والدین دوم» می‌خوانند (مهرانی، ۱۳۹۷، ص ۵۵) و آسیب‌شناسی‌های انجام‌شده در مورد این فضای زیستی، تمام اقسام و ابعاد امنیت انسان را شامل گردیده است (حیدری و فاضلی داود، ۱۳۹۶، ص ۹-۴).

فقه حکومتی

«فقه» در لغت به معنای دانستن با دقت و تأمل می‌باشد که از معنای «علم» خاص‌تر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۲ و مصطفوی، ۱۳۳۰ق، ج ۹، ص ۱۳۵) و در اصطلاح، به معنای دانشی است که متکفل بیان وظایف مکلفین و استنباط احکام شرعی

تکلیفی و وضعی از ادله و منابع آن احکام است (شهید اول، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۳۰ و مشکینی، ۱۳۷۷، ص ۴۰۴).

«حکومت» در لغت به معنای منع کردن می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۹ و مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۳۰۸) و در اصطلاح علوم سیاسی، دارای تعاریف مختلفی است که به طور مختصر می‌توان حکومت را قدرت سیاسی سازمان‌یافته‌ای دانست که به منظور تأمین مصالح افراد جامعه، برقراری روابط منظم و عادلانه اجتماعی، ایجاد امنیت و هدایت جامعه در مسیر تعالی، قوانینی وضع می‌کند، آن‌ها را اجرا کرده و بر حسن اجرای آن‌ها نظارت دارد (شبان‌نیا، ۱۳۹۵، ص ۲۳).

با این توضیح، معنای عبارت «فقه حکومت» برابر است با دانشی که متکفل بیان وظایف دستگاه حاکمیت و استنباط احکام شرعی تکلیفی و وضعی از ادله و منابع آن احکام است. همان‌طور که «فقه افراد» وظایف مکلفین را در حیطه رفتارهای هر فرد انسان به طور معین معرفی می‌کند؛ هرچند ممکن است به شخصیت حقیقی و یا حقوقی افراد نظر داشته باشد (مرتضوی‌نژاد و میرباقری، ۱۳۹۶، ش ۲، ص ۱۳۰-۱۲۶ و ۱۴۴). با این حساب، به نظر می‌رسد نقطه تمایز این دو صنف از دانش فقه، در این است که مسؤولیت اجرا و عمل به احکام استنباط‌شده در «فقه افراد» بر عهده افراد است، اما در «فقه حکومت» مباحثاً بر عهده دستگاه حاکم و مجموعه افراد متولی حکومت به نحو عام مجموعی است (ضیایی‌فر، ۱۳۹۰، ش ۵۳، ص ۱۸-۱۵).

اما اصطلاح «فقه حکومتی» بیان‌گر یک روی‌کرد در روند فقه‌پژوهی است که سابقه آن به دهه‌های معاصر برمی‌گردد؛ در حالی که سیر تطور فقه شیعه در قرون گذشته، بنا به عواملی، بر اساس روی‌کرد فردگرایانه شکل گرفته است؛ به این معنا که نگاه فقها بیش‌تر به فرد مسلمان معطوف بوده تا مسلمانان در یک جامعه اسلامی و تمدن‌ساز (غلامی و میراحمدی، ۱۳۹۳، ش ۴، ص ۸۸). روی‌کرد حکومتی در فقه، یک نظریه در باره روش استنباط است و به فقیه توصیه می‌کند تا در مقام استنباط احکام فقهی، با لحاظ مبانی هم‌چون گسترش قلمرو دین به عرصه اداره جامعه، اجرای تمام احکام سعادت‌بخش اسلام در یک نظام حکومتی را مد نظر قرار دهد (ضیایی‌فر، ۱۳۹۰،

ش ۵۳، ص ۷). در این روی‌کرد، تمام احکام فقهی؛ اعم از فقه عبادات (فقه الصلاة، فقه الحج و...)، فقه معاملات (فقه التجارة، فقه النکاح و...) و فقه حکومت (فقه القضاء، فقه الجزاء و...) با نگرش حکومتی بررسی می‌شوند. به این معنا که تأثیر احتمالی و حتمی هر حکمی در کیفیت مطلوب اداره نظام معاش و معاد انسان‌های مهذب و تشکیل جامعه نمونه و دارای حیات طیبه اسلامی لحاظ گردد و هر فرد در قالب جامعه‌ای به‌هم‌پیوسته و در هویت جمعی آن نگریده می‌شود. در نتیجه «فقه حکومت» یک بخش از مباحث علم فقه است که اولاً و بالذات به احکام استنباط‌شده در عرصه حکومت‌داری و اداری نظر دارد، اما «فقه حکومتی» روی‌کردی است، ناظر به تمام ابواب فقه که حتی بررسی احکام «ماء الحماّم» را هم شامل می‌شود (مشکانی سبزواری و سعادت، ۱۳۹۲، ش ۳۲، ص ۱۰۶ و غلامی و میراحمدی، ۱۳۹۳، ش ۴، ص ۸۶).

در روش‌شناسی فقه، تقسیم‌بندی سه‌گانه فقه موضوع‌محور، فقه نظام‌محور و فقه سرپرستی مطرح گردیده (مرتضوی‌نژاد و میرباقری، ۱۳۹۶، ش ۲، ص ۱۱۹) و اتخاذ روی‌کرد سوم به منظور پیش‌گیری از انفعال فقه در برابر طراح‌های سبک زندگی مبتنی بر مدرنیته و به عنوان یکی از مقدمات ضروری در تمدن‌سازی اسلامی و تنها روش صحیح فقه‌پژوهی [به عنوان اصلی‌ترین دانش مستند به دین و کانون هدایت جامعه] ضروری شمرده شده است (مشکانی سبزواری و سعادت، ۱۳۹۲، ش ۳۲، ص ۱۰۶ و خلف‌خانی، ۱۳۹۵، ش ۲، ص ۴۱). در فقه، سرپرستی جامعه به عنوان یک کلّ متغیّر و متحرک و با تأثیر و تأثر درونی اجزای خود بر یک‌دیگر، مورد تصرف حکومت قرار می‌گیرد و طراح‌چیستی و مقادیر تمایلات اخلاقی و ذائقه عموم اعضای جامعه، مهم‌ترین لایه تصرف در جامعه است (خلف‌خانی، ۱۳۹۵، ش ۲، ص ۴۴) و در واقع علاوه بر نگرش کلان و منسجم به نظامات اقتصادی، سیاسی، تربیتی و... حرکت تکاملی و اختیاری فرد و جامعه، در سه لایه فردی، اجتماعی و تاریخی، سرپرستی می‌شود که نیازمند ارتقای فقه در ناحیه مبانی کلامی، فلسفه فقهی و فلسفه اصولی دانسته شده است (مرتضوی‌نژاد و میرباقری، ۱۳۹۶، ش ۲، ص ۱۰).

اتخاذ روی‌کرد فقه حکومتی نتایج متعددی دارد که از جمله آن‌ها، توجه به

کارآمدی و میزان اثربخشی احکام و قوانین است که در فقه فردگرا، صرفاً شروط فعلیت احکام لحاظ می‌شوند و همچنین با این روی‌کرد، رجوع به اصول عملیه و مخصوصاً «أصالة الإحتیاط» بسیار کاهش خواهد یافت. زیرا قوانین حقوقی که به جهت اجرا در محیط جامعه وضع می‌شوند، به صراحت و قاطعیت نیاز دارند (ضیایی‌فر، ۱۳۹۰، ش ۵۳، ص ۲۵).

بنابراین، دو روی‌کرد فقه حکومتی و فقه فردگرا، در موضوع، هدف، روش و مبانی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند که این اختلاف روی‌کرد، دارای ثمرات عملی قابل توجهی می‌باشد.

روشن‌شناسی استنباط در روی‌کرد فقه حکومتی

به منظور استکشاف مجدد احکام فقهی با روی‌کرد فقه حکومتی از منابع فقهی‌ای که غالباً با روی‌کرد فقه فردگرا تولید شده‌اند، انجام اموری لازم دانسته شده است. به طور مثال، استخراج مبانی از روبنا به زیربنا و استنباط نظام مقاصد شریعت، استنباط و اتخاذ منطق حجیت به جهت هماهنگ‌سازی فهم‌های دینی و استفاده کارآمدتر از عقل و مصلحت (خلف‌خانی، ۱۳۹۵، ش ۲، ص ۴۰ و ۴۷ و غلامی و میراحمدی، ۱۳۹۳، ش ۴، ص ۱۰۳) که توجه به مقوله تشخیص مصالح احکام اولیه و ثانویه در عین خطیربودن، حائز اهمیت بسیار زیادی است؛ تا جایی که رأس هرم فقه اسلامی، مصلحت دانسته شده است (شاگری، ۱۳۹۲، ش ۱، ص ۱۱۹).

لازم به ذکر است، بنا بر مبانی فقهی امامیه، استحسان و استصلاح ظن‌آور، فاقد اعتبار بوده (سبحانی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۸۶-۸۰) و تنها تمسک به ملاکات و مقاصد شریعت که به طور قطعی کشف شده‌اند، حجیت دارد (علیدوست، ۱۳۹۰، ص ۵۸۳-۵۸۱) و تشخیص مصلحت الزامی در مقام اجرای احکام و تزامم فعلیت احکام اولی شرع و همچنین تطبیق عناوین کلی بر مصادیق متناسب با شرایط زمان و مکان، در صلاحیت حاکم شرع می‌باشد (سبحانی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۳۳-۲۲۶ و علیدوست، ۱۳۹۰، ص ۵۶۱-۵۱۳ و ۷۵۵). البته دشواری کشف مقاصد قطعی شریعت و تولید منابع فقهی

در فضای فقه فردگرا و عصر حکومت‌های نا مشروع، در نظر بسیاری از اندیشمندان، مانع از تکامل فقه و تمدن‌سازی با روی‌کرد فقه حکومتی نخواهد بود (ضیایی‌فر، ۱۳۹۲، ص ۳۵۶-۳۴۰؛ خسروپناه، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۲۱ و مرتضوی‌نژاد و میرباقری، ۱۳۹۶، ش ۲، ص ۱۳۰). همان‌طور که ضوابطی برای تعدی از مورد نص وجود دارد [همانند استقرای قطعی، الغای خصوصیت، توجه به مناسبات حکم و موضوع] (علیدوست، ۱۳۹۰، ص ۴۸۳-۴۷۴ و ضیایی‌فر، ۱۳۹۵، ش ۲، ص ۷۰) و بازخوانی مجدد منابع فقهی و آثار حدیثی صادر شده در زمان حکومت معصوم ۷ و استفاده وسیع‌تر از قواعد فقهی، امکان ارتقای فقه به سوی اهداف یادشده را فراهم می‌کند (ضیایی‌فر، ۱۳۹۰، ش ۵۳، ص ۲۳) و راه‌کارهای یادشده در مورد فقه فضای سایبر و الکترونیک نیز کارایی دارد (حسین‌نژاد و ایزدی‌فرد، ۱۳۹۶، ش ۹، ص ۹۹).

به طور مثال، اگر در روی‌کرد فقه فردگرا، احکامی در مورد عدم ضمان قاضی‌ای که در حکم خود، خطای قصوری کرده، صادر شده است [که از مباحث «فقه حکومت» است] (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۰، ص ۷۹ و نظرپور، ۱۳۸۹، ص ۷۲)، در روی‌کرد فقه حکومتی، ساز و کارهای پیش‌گیرانه از وقوع خطا و فساد در دستگاه قضا، استکشاف و به صورت قانونی و الزام‌آور ابلاغ می‌شوند و در پی آن، نقش خطای قاضی در مجموعه دستگاه قضا و میزان تقصیر یا قصور او روشن می‌گردد. همان‌طور که تأمین نفقه کارکنان قضایی از سوی دولت اسلامی، با هدف پیش‌گیری از تبادل مالی میان مردم و دستگاه قضا و جلوگیری از فراهم شدن زمینه ارتشا، یک حکم استنباط‌شده با روی‌کرد فقه حکومتی تلقی می‌شود (شیخ انصاری، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۲۴۵). هم‌چنین اگر در روی‌کرد فقه فردگرا، به تعزیرات حکومتی و مجازات‌های تأدیبی پرداخته شده و اجرای آن‌ها منوط بر تحقق موضوع؛ یعنی انجام و اثبات جرم شده است (محقق داماد، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۲۴۹-۲۳۶) و یا احکام نهی از منکر با پیش‌فرض وجود حکومت نا مشروع و فاسد و به جهت بیان وظیفه افراد جامعه بیان شده (امام خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۴۳۲-۴۲۲) در اجتهاد با روی‌کرد حکومتی، این حالت انفعال وجود ندارد. بلکه احکامی استنباط می‌گردد که بیش‌تر

جنبه پیش‌گیرانه نسبت به وقوع جرم دارد و در مقوله نهی از منکر، زمینه تأثیر آن در آحاد جامعه فراهم می‌شود.

این نوع نگاه برگرفته از قواعد و شاکله فقهی امامیه می‌باشد. از جمله این قواعد فقهی، قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» است که بر اساس آن، وظیفه تدبیر، تأدیب و هدایت مداوم جامعه به سوی سعادت دنیا و آخرت بر عهده مدیر و امیر جامعه گذارده شده است (شاکری، ۱۳۹۲، ش ۱، ص ۱۱۵؛ محقق داماد، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۲۴۴-۲۳۲ و ضیایی فر، ۱۳۹۲، ص ۴۴۸-۴۳۸). بدین منظور، حاکم شرع به صرف مجازات بعد از انجام جرم اکتفا نمی‌کند، بلکه در مواردی که احتمال تزییع حقی وجود دارد و استخراج حق، متوقف بر حبس فردی است، قبل از وقوع جرم، انجام حبس بر حاکم واجب می‌شود (شهید اول، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۱۹۲) و در واقع با یک ساز و کار اصلاح‌گرانه، زجر و دفع از گناه، قبل از تحقق آن صورت می‌گیرد که توجه به مناط قاعده تعزیر و توجه به مقاصد شریعت در مقوله حق الناس، منجر به اتخاذ چنین نظریه‌ای شده است. در مقوله حق الله نیز چنین آمده است که اگر جلوگیری از معصیت متوقف بر حبس گناه‌کار باشد، حبس و ایجاد حرج بر او و با اذن حاکم شرع واجب خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۷۸ و امام خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۴۲۹) و اگر بشود میان او و انجام فعل منکر فاصله انداخت، به همان مقدار اکتفا می‌شود (همان) و حتماً چنین پیش‌گیری‌هایی منحصر در رفتارهای سلبی نبوده و به طور مثال، در باب حفظ عفت عمومی، تسهیل ازدواج و شفاعت و وساطت در آن، که یک رفتار ایجابی است، مقدم بر وجوب استعفاف که یک رفتار سلبی است، ذکر شده است (نور (۲۴): ۳۲).

شاهد دیگر بر امکان استخراج و استنباط فقهی با روی‌کرد فقه حکومتی، از منابع فقهی موجود در حقوق جزایی و مدنی، لزوم تعزیر تأدیبی اطفال و مجانین به منظور استصلاح است؛ در حالی که گناهی انجام نشده، اما ترتب مفاسد، ملاک و مناط این نوع برخورد فقهی دانسته شده است (شهید اول، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۱۴۳). همان‌طور که وجود «حق حبس» نسبت به دریافت مهریه برای زوجه و اطلاع زوجین از این حق،

زمینه توافق بر مهریه‌های سنگین و مشکل‌ساز را نا هموار کرده و سبک مراسمات ازدواج را جهت‌دهی می‌کند (حسنی، ۱۳۹۷، ص ۵۱). با این حساب می‌توان گفت ایجاد ساز و کارهای حکومتی پیش‌گیرانه، بر مجازات‌های پسینی و صدور احکام مدنی منفعلانه، مقدم هستند. به طور مثال، می‌توان با شفاف‌سازی و دستور الزامی به ثبت اسناد سجلی و اسناد ازدواج و طلاق و کسب تأییدیه استاندارد و درج مشخصات کالای مبیع، از وقوع مصادیق متعددی از تدلیس و تغیر، در نکاح و بیع، پیش‌گیری کرد تا رجوع به قاعده فقهی «المغرور یرجع علی من غره» از کاربرد انفعالی و مکرر خود در محاکم قضایی خارج شده و کاربرد نسبتاً محدود خود را در یک جامعه و بازار اسلامی کسب کند (حسنی، ۱۳۹۶، ص ۶۹).

بررسی ابعاد مختلف امنیّت در فضای سایر با روی کرد فقه حکومتی

به طور کلی داشتن امنیّت، یکی از بزرگ‌ترین مواهب الهی است (قریش (۱۰۶): ۴؛ نحل (۱۶): ۱۱۲؛ انفال (۸): ۲۶؛ فصلّت (۴۱): ۴۰ و انعام (۶): ۸۲) که سپاس‌گزاری نسبت به آن، مورد غفلت واقع شده و دشوار می‌نماید (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۲۸۰) و استقرار آن در جامعه از شاخصه‌های حکومت مهدوی به شمار می‌رود (نور (۲۴): ۵۵). در کلام نورانی امیر المؤمنین ۷ تأمین امنیّت راه‌های ارتباطی، از وظایف اصلی حکومت اسلامی یاد شده است (نهج البلاغه، خطبه ۴۰)^۴ که با الغای خصوصیت عرفی از راه‌ها و اماکن فیزیکی، می‌توان فضای ارتباطی و زیستی در محیط سایر را مشمول کلام امام دانست. البته به دلیل سرعت و سهولت ارتباط در فضای سایر، ابعاد امنیّت در این فضا متنوع‌تر بوده و تأمین آن از اهمیّت بیش‌تری برخوردار است. در ادامه، حکم ایجاد ابعاد مختلف امنیّت از سوی حکومت اسلامی بررسی می‌گردد:

ضرورت ایجاد امنیّت اعتقادی و مذهبی

می‌توان از احکام فقهی حرمت تولید، نگهداری، نسخه‌برداری، انتشار، اجاره، خرید و فروش کتب حاوی مباحث گمراه‌کننده (کتب ضلال) (شیخ انصاری، ۱۴۳۱ق، ج ۱،

ص ۲۳۸-۲۳۳)، الغای خصوصیت کرده و حرمت امور فوق را در مورد سایت‌ها، کانال‌ها و منابع اینترنتی ضلال، استنباط کرد که وظیفه حاکمیت در عرصه نشر کتب الکترونیکی و مطالب اینترنتی که گمراه‌کننده هستند، اعمال فیلترینگ (پالایش) و مرزداری از مرزهای ایدئولوژیک است (اسماعیلی و نصراللهی، ۱۳۹۵، ش ۴۹، ص ۷۰-۶۲). به همین ترتیب، می‌توان از تنقیح مناط در حکم حرمت ساخت، نگه‌داری، خرید و فروش صلیب و بُت (امام خمینی، ۱۴۳۵ق، ج ۱، ص ۱۶۴ و ۲۶۹) و یا حرمت قبول ولایت از طرف جائز (همان، ج ۲، ص ۱۶۷)، حرمت و ممنوعیت هر آنچه موجب اضلال اعتقادی و رواج آن در جامعه می‌شود را نتیجه گرفت که این حکم در مورد فضای سایبر نیز صدق می‌کند.

راه‌کار ایجاد امنیت اعتقادی، تنها راه‌کار سلبی فوق‌الذکر نمی‌باشد، بلکه با استفاده از فرصت فضای سایبر، با انتشار مباحث استدلالی متقن و فراهم کردن بستر و محیطی برای مباحثات دینی، تضارب آرا و تولید رأی صواب رخ می‌دهد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۵۸) و ذائقه عموم جامعه، منطقی شده و از اعتماد به مراجع فکری غیر سدید و غیر سالم خودداری خواهد کرد.

ضرورت ایجاد امنیت اخلاقی

ادله فقهی حرمت فحشا، لهو، غنا، استعمال مُسکرات و آلات قمار و مانند آن (شیخ انصاری، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۱۸-۱۱۶ و ج ۲، ص ۴۱ و ۱۱۷)، بدون نیاز به الغای خصوصیت و یا تنقیح مناط، شامل موضوعات این احکام در فضای سایبر می‌باشند که بر اساس قاعده «تعزیر» از وظایف حتمی و بدیهی حکومت اسلامی، اعمال فیلترینگ (پالایش)، نسبت به انتشار و ترویج محرّمات اخلاقی است (اسماعیلی و نصراللهی، ۱۳۹۵، ش ۴۹، ص ۶۷-۶۵) و همان‌طور که قراردادن فضای فیزیکی برای انجام گناه به صورت اجاره و یا مجانی حرام است (شیخ انصاری، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۲۳ و ۳۸۵ و ج ۲، ص ۵۳)، فراهم کردن امکان ارتکاب محرّمات فوق‌الذکر و مانند آن در فضای سایبر نیز با الغای خصوصیت عرفی حرام می‌باشد؛ هرچند در صدق عنوان «اعانه بر اثم» تردید

داشته باشیم. در حالی که دادن اذن به پیام‌رسان‌های فحشارسان و غیر آن، برای حضور در سرزمین مسلمین، در حال حاضر در اختیار دولت و حکومت اسلامی است.

ضرورت ایجاد امنیّت روانی

به طور کلی تخویف و ترساندن مؤمن از محرّمات الهی است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۳۰۳ و شیخ انصاری، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۱۰۹) و همان‌طور که در آیات ۶۰ تا ۶۲ سوره احزاب وارد شده است، مجازات کسانی که با شایعه‌پراکنی [در مصادیق گوناگون؛ مانند گرانی و یا حمله دشمن در آینده نزدیک و...] تزلزل، ترس، دل‌هره و اضطراب عمومی ایجاد می‌کنند، لعن الهی و اعدام می‌باشد. وسیله و طرق این اضطراب‌آفرینی در کریمه فوق مطلق بیان شده و شامل ایجاد نا امنی روانی با استفاده از فضای سایبر نیز می‌شود. کریمه فوق با اعلام مجازات سنگین اعدام، در صدد بازدارندگی حداکثری می‌باشد که اعمال آن از وظایف واجب حاکم شرع است. در حکمی دیگر، اجماع فقهای امامیه بر استحقاق اجرای حدّ اعدام، نسبت به کسی که با اشتهار سلاح، مرتکب اخافه عمومی شده است، منعقد گردیده (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۵۶۴) و با الغای خصوصیت عرفی از فضای فیزیکی به فضای سایبری، در مورد افرادی که با اشتهار سلاح و تهدید و انتشار تصاویر آن در فضای سایبر موجب دل‌هره عموم مردم و خانواده‌ها می‌شوند، می‌توان قائل به چنین حکمی شد. در نتیجه ممانعت از فعالیت تعرّض‌کنندگان به آرامش روانی مردم در بستر فضای سایبر و تعقیب و مجازات مجرمین بر حکومت واجب است.

ضرورت ایجاد امنیّت آبرویی آحاد کاربران

ادله فقهی حرمت غیبت، نمیمه (سخن‌چینی)، تتبّع از عثرات (لغزش‌ها) مؤمنین، استهانه (بی‌اعتنایی و بی‌حرمتی و خارکردن مؤمن)، تشبیب (ابراز عشق به زن مؤمن و عقیف و ذکر محاسن او)، شایع کردن گناه سرّی و پنهان افراد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۷۹-۲۷۵ و ۳۰۶ و شیخ انصاری، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۷۷ و ج ۲، ص ۱۱۴-۱۱۱)؛ شامل ارتکاب این امور در فضای سایبر نیز می‌شود و در صورتی که تخریب شخصیت

افراد محترم و تعرّض به عرض و آبروی ایشان در فضای سایبر به نحو خصوصی و یا عمومی انجام شود، با شکایت آن فرد، وظیفه مجازات بر عهده دستگاه حاکمیت است. اما استنباط با رویکرد فقه حکومتی اقتضا می‌کند که طراحی قالب فضای مورد استفاده کاربران به نحوی باشد که هویت افراد پنهان نباشد و کسی در پس نقاب‌های مجازی پنهان نگردد. ایجاد این ساختار خود به خود مانع از بسیاری از هتاک‌ها خواهد شد. در نتیجه اقدام به طراحی چنین ساختاری به جهت ایجاد امنیت آبرویی کاربران، بر حکومت واجب است.

ضرورت ایجاد امنیت مالی و اقتصادی

در این مقوله از چند زاویه می‌توان سخن گفت. به طور مثال، طراحی قالب و نحوه دسترسی به صفحات اینترنتی توسط حکومت می‌تواند به گونه‌ای باشد که موجب نگرانی کاربر در استفاده از اینترنت و مصرف بیهوده از ذخیره اینترنت خریداری شده او گردد. چه به صورت کم‌شدن ناگهانی از ذخیره اینترنت کاربر در اثر فریب وی توسط برخی اپلیکیشن‌ها و چه به سبب گران‌فروشی دولت به مردم و ارائه اینترنت در استفاده‌های داخلی، اما با اخذ مبالغی متناسب با پهنای باند اینترنت بین‌الملل. در این مورد، ایمن‌سازی فضای سایبر، همانند ایمن‌سازی فضای فیزیکی از وظایف حکومت می‌باشد؛ زیرا جلوگیری از هدررفت سرمایه‌های مردم از وظایف حکومت اسلامی است (شیخ انصاری، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۱۰۶-۱۰۴). از زاویه دیگر، ایجاد بازار تجاری ایمن، از نظر قیمت‌گذاری اجناس، جلوگیری از تدلیس، تغیر و غش در معرفی کالاها در تجارت اینترنتی، از وظایف اقتصادی حتمی حکومت اسلامی بوده و تخلف از قوانین حکومتی مستوجب تعزیر است (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛^۵ تا محیط کسب و کار، امنیت اقتصادی داشته باشد. به طور مثال، یکی از کسب‌های حرام در اسلام، «نَجَش» می‌باشد؛ به این معنا که فروشنده با شخص ثالثی توافق کند که او در حین تجارت فروشنده با خریدار، تقاضای خرید کالا با قیمت بالاتر کند و بدین ترتیب قیمت کالا را بالاتر جلوه دهد. این توافق حرام بوده و وجهی هم که در قبال آن دریافت می‌شود،

حرام بوده و از نظر ضمان در حکم غصب می‌باشد (شیخ انصاری، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۶۱). چنین موضوعی در فضای سایبر هم اتفاق می‌افتد و مفاسد «نَجَش»؛ یعنی تلبیس و غشّ (فریب‌کاری) و اضرار به مشتری که مناط این حکم هستند (همان)، به وضوح مترتب می‌گردند.

بنابراین، بر حکومت اسلامی واجب است تا بر محیط تجارت سایبری نظارت کرده و در یک رفتار ایجابی، بستری فراهم آورد تا اولاً: قالب صفحات اینترنتی صرف حداقل وقت و هزینه را بر کاربران تحمیل کند، ثانیاً: محتوای تجاری در معرفی کالاها و قیمت‌ها، مورد نظارت و بازرسی باشند و ثالثاً: امنیت رمزهای اینترنتی و حساب‌های مالی مردم تأمین شود.

ضرورت ایجاد امنیت حریم خصوصی و اطلاعات محرمانه کاربران

اسلام، حریم خصوصی را معتبر شمرده و شرط جواز ورود به حریم مسکونی و اختصاصی غیر را، تحصیل اذن او دانسته است (نور (۲۴): ۲۸-۲۷ و ۵۹) و با نهی از تجسس، تفتیش، استراق سمع و بصر و افشای سر، بر این حکم به شدت تأکید نموده است (حسینی و برزویی، ۱۳۹۶، ش ۱۳، ص ۱۳۱-۱۱۹). هم‌چنین بر اساس روایات صادره از پیامبر و اهل بیت : و اجماع فقها، در صورتی که فردی با نگاهش به حریم خصوصی افراد تجاوز کرده و اشراف و اطلاع حاصل کند و دفع او متوقف بر آسیب جسمانی و یا قتل او شود، خون او هدر است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۶۶۰) که این موضوع در مورد فضای سایبر نیز صدق می‌کند و با الغای خصوصیت عرفی، حریم خصوصی کاربران، مشمول این حکم می‌شود (حسینی و برزویی، ۱۳۹۶، ش ۱۳، ص ۱۲۶). از این رو، فراهم کردن امکان حفاظت از حریم خصوصی افراد، بر حکومت واجب بوده و عقوبت متجاوزان سایبری و هکرها، به حریم اختصاصی افراد ضروری است. همان‌طور که پیامبر اعظم ﷺ در ماجرای «سمرة بن جندب»، با حمایت از حفظ حریم خصوصی مرد انصاری و خانواده‌اش، دستور به ریشه‌کنی درخت سمرة دادند و فرمان حکومتی‌ای صادر کردند تا راه سوء استفاده متجاوزان و ضرر رسانندگان برای

همیشه بسته شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، ص ۴۲۹ و امام خمینی، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۵۳۳).

ضرورت ایجاد امنیت جانی

تبلیغ و ترویج خودکشی و رفتارهای خشونت‌آمیز و آسیب‌زا و یا فعالیت‌های تروریستی که تهدید جانی محسوب می‌شوند، از تهدیدات ناامن‌کننده فضای سایبر نسبت به امنیت جانی به شمار می‌آیند و از آن‌جا که یکی از اصلی‌ترین وظایف حکومت اسلامی، تأمین امنیت جانی مردم در محیط زندگی‌شان است (نهج البلاغه، خطبه ۴۰)، جلوگیری از انتشار این گونه مطالب و جلوگیری از فعالیت‌ها و ارتباطات تروریستی در فضای سایبر، بدون اشکال واجب است و در صورتی که در این زمینه کوتاهی شود، ممکن است گفته شود مقصرانی که در تأمین امنیت جانی مردم کوتاهی کرده و با اجازه به فعالیت جانپان، به نوعی به آن‌ها کمک کرده‌اند، مصداق این روایت هستند که می‌فرماید: «هرکس بر قتل مؤمنی - هرچند با کوچک‌ترین کلمه‌ای - کمک کند، خدا را ملاقات خواهد کرد؛ در حالی که بر پیشانی او ثبت شده است: فردی که نا امید از رحمت خداست» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۳۰۵). همانند کسانی که جاده‌ای را باز می‌کنند؛ در حالی که می‌دانند مسیر همواری برای سارقان و قاتلان فراهم کرده‌اند و حال آن که شرط احداث آن جاده، تأمین امنیتش توسط دستگاه حاکمیت اسلامی است.

ضرورت ایجاد امنیت اطلاعات محرمانه ملی

استناد به قاعده فقهی «نفی سبیل و سلطه کفار بر مؤمنین» (بجنوردی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۹۳-۱۸۷)، لزوم حفظ عزت و اقتدار مؤمنین در برابر دشمنان و لزوم تجهیز تمام نیروها در مقابل بیگانگان (منافقون (۶۳): ۸ و انفال (۸): ۶۰)، و وجوب حفظ اطلاعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... از دست‌برد بیگانگان و ممانعت از جاسوسی و شکست اطلاعاتی در فتنه‌های منافقان (توبه (۹): ۴۷) که حتی منجر به تخریب مسجد ضرار شد (توبه (۹): ۱۰۷ و سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۸۸۲)؛ ضرورت مقابله حکومت اسلامی با

اشراف اطلاعاتی و انجام عملیات داده‌کاوی (data mining) بیگانگان نسبت به مسلمین را ثابت می‌کند که ایجاد اینترنت ملی و حفاظت تام از اطلاعات مردم و حکومت از راه کارهای ایجابی پیش روی حکومت اسلامی است (کهنوند، ۱۳۹۵، ص ۳۰-۲۳).

نتیجه‌گیری

وجوب ایجاد امنیت اعتقادی و مذهبی، امنیت اخلاقی، امنیت روانی، امنیت آبرویی، امنیت مالی و اقتصادی، امنیت حریم خصوصی، امنیت جانی و امنیت اطلاعات محرمانه ملی، در فضای سایبر به اثبات رسیده و بر اساس روی‌کرد فقه حکومتی و تمدن‌ساز، علاوه بر رفتارهای سلبی حکومت، انجام رفتارهای ایجابی نیز ضروری است.

یادداشت‌ها

۱. در نامه ۵۳ نهج البلاغه شریف، خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْجَرِيُّ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وَثَّاهُ مَضْرَجِيَّةَ خَرَجَهَا وَجِهَادَ عَدُوِّهَا وَاسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا أَمْرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ إِثْبَارِ طَاعَتِهِ وَ اتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ الَّتِي لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا وَ لَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَ إِصَاعَتِهَا وَ أَنْ يَنْصُرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ» و در خطبه ۱۳۱ می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَّاسَ شَيْءٌ مِنْ فَضُولِ الْحُطَّامِ وَ لَكِنْ لِنَرْدِ الْعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَ نَظْهِرِ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ».
۲. «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».

۳. در بند ۱۱۹ از قسمت تدابیر سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت آمده است: «پی‌ریزی و گسترش نهضت کسب و کار هنرهای نمایشی و کاربردهای فضای مجازی با استفاده از میراث فرهنگی و ادبی ایرانی - اسلامی و قابلیت‌های ملی و محلی، مطابق تقاضا و پسند مخاطب منطقه‌ای و جهانی» (<http://www.leader.ir/fa/content/22262>).

در توصیه دوم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی آمده است: «بازارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم

روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان، با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسؤول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسؤولانه صورت گیرد و این البته به معنای رفع مسؤولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست. در دوره پیش رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود» (<http://www.leader.ir/fa/content/22734>).

۴. و من کلام له 7 فی الخوارج لما سمع قولهم لا حکم الا لله: قَالَ 7: «كَلِمَةٌ حَقٌّ يَرَادُ بِهَا بَاطِلٌ نَعَمُ إِنَّهُ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ وَ لَكِنْ هُوَ لَاءِ يَقُولُونَ لَا إِمْرَةَ وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَسْتَمْتَعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَ يَبْلُغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَ يُجْمَعُ بِهِ الْفِيءُ وَ يَقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِي حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يُسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ».

۵. «ثُمَّ اسْتَوْصَ بِالتَّجَارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ وَ أَوْصَ بِهِمْ خَيْرًا الْمُقِيمِ مِنْهُمْ وَ الْمُضْطَرَبِ بِمَالِهِ وَ الْمُتَرَفِّقِ بِبَدْيِهِ فَإِنَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ وَ أَسْبَابُ الْمَرَافِقِ وَ جُلَّابُهَا مِنَ الْمَبَاعِدِ وَ الْمَطَارِحِ فِي بَرِّكَ وَ بَحْرِكَ وَ سَهْلِكَ وَ جَبَلِكَ وَ حَيْثُ لَا يَلْتَمِثُ النَّاسُ لِمَوَاضِعِهَا وَ لَا يَجْتَرِءُونَ عَلَيَّهَا فَإِنَّهُمْ سَلِمٌ لَا تُخَافُ بِأَنْفُسِهِمْ وَ صَلُحٌ لَا تُخْشَى غَائِلَتُهُ وَ تَفْقَدُ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكَ وَ اعْلَمْ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَ شَحًا قَبِيحًا وَ اخْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَ تَحَكُّمًا فِي الْبِيْعَاتِ وَ ذَلِكَ بَابٌ مُضْرَّةٌ لِلْعَامَّةِ وَ عَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ فَاْمْنَعُ مِنَ الْاِخْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَنَعَ مِنْهُ وَ لِيَكُنَّ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدَلٍ وَ أَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُبْتَاعِ فَصَنَ قَارَفَ حُكْرَةَ بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَنَكَّلَ بِهِ وَ عَاقَبَ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ».

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. اسماعیلی، محسن و نصراللهی، محمدصادق، «پالایش فضای مجازی، حکم و مسائل آن از دیدگاه فقهی»، مجله پژوهشی دین و ارتباطات، سال بیست و سوم، ش ۴۹، ۱۳۹۵.
۵. امام خمینی، سیدروح الله، المکاسب المحرمة، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۴، ۱۴۳۵ق.
۶. امام خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسيلة، ج ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۲، ۱۴۳۴ق.

۷. امام خمینی، سیدروح الله، تهذیب الاصول، مقرر: آية الله جعفر سبحانی، ج ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۳۱ق.
۸. باهنر، ناصر و صمدی، مجتبی، «بررسی مؤلفه غایت‌شناختی الگوی هنجاری رسانه‌های جدید اسلامی؛ تحلیلی بر تأثیر نگاه مهدوی در ترسیم الگوی رسانه مطلوب اسلامی»، مجله پژوهشی مشرق موعود، سال چهارم، ش ۱۶، ۱۳۸۹.
۹. بجنوردی، محمدحسن، القواعد الفقهية، ج ۱، قم: دلیل ما، ج ۴، ۱۴۳۰ق.
۱۰. بهرامی، محمد، «قرآن و مسأله امنیت ملی»، مجله پژوهشی پژوهش‌های قرآنی، ش ۳۵، ۱۳۸۲.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۲. حاجزاده، هادی و دیگران، «جایگاه امنیت نظام سیاسی در فقه امامیه با تأکید بر مرجع امنیت»، مجله تحقیقات بنیادین علوم انسانی اسلامی، ش ۳، ۱۳۹۵.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۲ و ۲۵، قم: آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۱۴. حسنی، سعید، بررسی فقهی نشوز زوجین به همراه مروری بر مباحث حقوقی مرتبط، اراک: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۷.
۱۵. حسنی، سعید، مسئولیت مدنی بر اساس قاعده فقهی غرور، اراک: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۶.
۱۶. حسین نژاد، سید مجتبی و ایزدی‌فرد، علی‌اکبر، «فقه الکترونیک در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، مجله پژوهشی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال پنجم، ش ۹، ۱۳۹۶.
۱۷. حسینی، مهدی و برزویی، محمدرضا، «مبانی و مؤلفه‌های فقهی حمایت از حریم خصوصی افراد در فضای مجازی»، مجله پژوهشی مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ششم، ش ۱۳، ۱۳۹۶.
۱۸. حیدری، عباسعلی و فاضلی داود، فاضل، آسیب‌شناسی فضای مجازی از منظر فقهی و اخلاقی، ششمین کنگره سراسری فناوری‌های نوین ایران، تحت حمایت سیویلیکا، ۱۳۹۶.
۱۹. خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)، سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، کد خبر: ۳۷۵۵۹۹۴، تاریخ انتشار: ۲۳ مهر ۱۳۹۷.
۲۰. خسروپناه، عبدالحسین، علوم انسانی اسلامی، ج ۱، قم: معارف، ۱۳۹۳.
۲۱. خلف‌خانی، علی، «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های نظریات حوزه فقه حکومتی»، مجله تخصصی پژوهش‌نامه فقهی، سال چهارم، ش ۲، ۱۳۹۵.

۲۲. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آية الله العظمى خامنه‌ای، بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، تاریخ انتشار، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷. <http://farsi.khamenei.ir>
۲۳. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۲۴. سبحانی، جعفر، الوسيط فی اصول الفقه، ج ۲، قم: امام صادق ۷، چ ۸، ۱۳۹۴.
۲۵. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب، چ ۲۵، ۱۳۸۶.
۲۶. شاکری، طوبی، «فقه حکومتی فرامذهبی با تحلیل قاعده التعزیر بما یراه الحاکم، مجله پژوهشی فقه مقارن، سال یکم، ش ۱، ۱۳۹۲.
۲۷. شبان نیا، قاسم، فلسفه سیاست، قم: مؤسسه آموزشی امام خمینی، چ ۳، ۱۳۹۵.
۲۸. شریفی دوست، حمزه و واحدجوان، وحید، درس نامه اخلاق در فضای مجازی، قم: معارف، ۱۳۹۸.
۲۹. شهید اول، شمس الدین محمد بن مکی بن احمد عاملی، القواعد و الفوائد، ج ۲، قم: مفید، ۱۴۰۰ق.
۳۰. شیخ انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، ج ۲، قم: مجمع الفکر الاسلامی، چ ۱۴، ۱۴۳۱ق.
۳۱. ضیایی فر، سعید، فلسفه علم فقه، قم: سمت، ۱۳۹۲.
۳۲. ضیایی فر، سعید، «روی کرد فقه حکومتی در فقه»، مجله پژوهشی علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، سال چهاردهم، ش ۵۳، ۱۳۹۰.
۳۳. ضیایی فر، سعید، «ضوابط تعدی از مورد نص»، مجله پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی، سال دوم، ش ۲، ۱۳۹۵.
۳۴. علیدوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، تهران: پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۲، ۱۳۹۰.
۳۵. غلامی، نجفعلی و میراحمدی، منصور، «فقه فردی و فقه حکومتی، بایسته‌ها و کاستی‌ها»، مجله پژوهشی سیاست متعالیه، سال دوم، ش ۴، ۱۳۹۳.
۳۶. کهوند، محمد، «آسیب‌شناسی شبکه اجتماعی تلگرام»، مرکز مطالعات راهبردی فضای مجازی، دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی دانشگاه جامع امام حسین ۷، ۱۳۹۵.
۳۷. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه بخش جزائی، ج ۴، تهران: نشر اسلامی، چ ۳۱، ۱۳۹۴.
۳۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة [با ترجمه فارسی]، ج ۱۲، قم: دار الحدیث، چ ۱۱، ۱۳۸۹.

۳۹. مرتضوی نژاد، مهدی و میرباقری، سیدمهدی، «روش‌شناسی فقه حکومتی»، مجله تخصصی پژوهش‌نامه میان‌رشته‌ای فقهی، سال پنجم، ش ۲، ۱۳۹۶.
۴۰. مشکانی سبزواری، عباسعلی و سعادت، ابوالفضل، «فقه حکومتی نرم افزار توسعه انقلاب اسلامی»، مجله پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، ش ۳۲، ۱۳۹۲.
۴۱. مشکینی، علی، مصطلحات الفقه، قم: بی جا، ۱۳۷۷.
۴۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ۲، ۹، بیروت: دارالقلم، ج ۳، ۱۴۳۰ق.
۴۳. مهرانی، ابراهیم، رسانه یا والدین دیگر، تهران: فهم، ج ۱۶، ۱۳۹۷.
۴۴. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ۴۰ و ۴۱، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ج ۷، ۱۴۰۴ق.
۴۵. نظر پور، مهدی، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: معارف، ج ۲۱، ۱۳۸۹.
۴۶. واعظی، احمد، حکومت اسلامی، قم: حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶.